

فصلنامه علمی - تخصصی معارف علوم انسانی و علوم اسلامی

شماره هشتم، بهار ۱۴۰۱، ص ۵۸ - ۶۹

تحلیلی بر ضمانت اجرای تخلف و تأخیر پیمانکار نسبت به تعهدات قراردادی^۱

سیده معصومه حسینی فالحه^۲

چکیده

تقریباً در اجرای همه قراردادهای ساخت و ساز، تأخیر وجود دارد و به طرق مختلف اجرای قرارداد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در موقعیتی که تأخیر ناشی از عوامل قابل انتساب به هر دو طرف (مالک و پیمانکار) است و یا علل موجه به همراه تقصیر پیمانکار به صورت همزمان رخ می‌دهند و تأخیر ناشی از آن علل، در یک دوره زمانی انطباق دارد، مسأله پیچیده‌تر می‌گردد. ابهامات بیش‌تر راجع به مسائل حقوقی به منظور دستیابی به میزان و نحوه مسئولیت ناشی از این نوع تأخیر و تعیین حقوق هریک از مالک و پیمانکار است. تعیین خسارت، امکان دریافت وجه التزام ناشی از تأخیر، تمدید و اعطای مهلت برای تکمیل پروژه از موضوعات پر مناقشه‌ای است که مستلزم ارائه تحلیلی دقیق از علت تأخیرها با در نظر گرفتن اوضاع و احوال مربوط و تعیین آثار هر علت به طور جداگانه است. کلیدواژه‌ها: ضمانت اجرای تخلف، ضمانت تأخیر پیمانکار، تعهدات قراردادی.

^۱ - تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۳

^۲ - کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی خلیج فارس.

مقدمه

تقریباً در اجرای همه قراردادهای ساخت و ساز، تأخیر وجود دارد و به طرق مختلف اجرای قرارداد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در موقعیتی که تأخیر ناشی از عوامل قابل انتساب به هر دو طرف (مالک و پیمانکار) است و یا علل موجه به همراه تقصیر پیمانکار به صورت همزمان رخ می‌دهند و تأخیر ناشی از آن علل، در یک دوره زمانی انطباق دارد، مسأله پیچیده‌تر می‌گردد. ابهامات بیشتر راجع به مسائل حقوقی به منظور دستیابی به میزان و نحوه مسئولیت ناشی از این نوع تأخیر و تعیین حقوق هریک از مالک و پیمانکار است. تعیین خسارت، امکان دریافت وجه التزام ناشی از تأخیر، تمدید و اعطای مهلت برای تکمیل پروژه از موضوعات پر مناقشه‌ای است که مستلزم ارائه تحلیلی دقیق از علت تأخیرها با در نظر گرفتن اوضاع و احوال مربوط و تعیین آثار هر علت به طور جداگانه است. در جایی که هر علت مستقل صرفنظر از آثار علت دیگر، به تنهایی برای تأخیر کافی است این نگاه تقویت می‌شود که هیچ‌کدام از طرفین حق دریافت خسارت از طرف مقابل را ندارد.

در مواردی که دوره‌های تأخیر، بازه زمانی متفاوت داشته و دقیقاً منطبق نباشند و همچنین اگر آثار متفاوتی بر تعداد و انواع فعالیت‌های کاری داشته باشند و یا این‌که دو علت تأخیر، باهم سبب شده باشند که قرارداد به موقع اجرا نگردد، تعیین آثار تأخیرهای همزمان اهمیت مضاعف داشته، مستلزم شناخت حالات، انواع و نیز نشان دادن آثار هر کدام به صورت جداگانه است.

مفاهیم

در ابتدا به منظور شناخت بهتر و تبیین اصطلاحات بکار برده شده در عنوان مقاله به بررسی مفهوم قرارداد پیمانکاری و شخص پیمانکار می‌پردازیم.

مفهوم قرارداد پیمانکاری

در لغت پیمانکاری به عمل پیمانکار، مقاطعه، تعهد کردن برانجام دادن کاری یا ساختن بنایی در قبال پول معینی بدون محاسبه ارقام جزء سود و زیان و یا سنجش نفع و ضرر ریز کالا یا مصالح بنائی و جز آن معنی شده است. قرارداد پیمانکاری به لحاظ لغوی قراردادی است که به موجب آن پیمانکار در قبال دریافت وجهی معین، اجرای موضوع پیمان را در مقابل کارفرما تعهد مینماید (معین، ۱۳۸۸، ۵۴۷).

طرفین اصلی این قرارداد کارفرما و پیمانکار میباشند. پیمانکار شخصی است که تعهد او به فعل می باشد، وی شخص حقوقی یا حقیقی است که سوی دیگر امضاء کننده پیمان است و اجرای موضوع پیمان را بر اساس اسناد و مدارک پیمان به عهده گرفته است (ماده ۷ شرایط عمومی پیمان).

در حقوق ایران پیمانکاری دولتی که کارفرما یک نهاد و مؤسسه دولتی می باشد بیشتر رایج است، که شرایط عمومی پیمان، تشریفات مزایده و مناقصه، رعایت آیین نامه معاملات دولتی خاص این نوع پیمانهاست. اگر چه قوانین مختلف تعریف جامعی از انواع قراردادهای پیمانکاری ساخت را ارائه نداده اند اما از مجموع شرایط و ویژگیهای این نوع قرارداد میتوان این قراردادها را چنین تعریف کرد:

«قرارداد پیمانکاری قراردادی است که بموجب آن پیمانکار در مقابل قیمت معین یا قابل تعیین متعهد به ساخت کار یا کارهای مالک میگردد» بنابراین تعهد به ساخت مهمترین ویژگی قراردادهای پیمانکاری است که پیمانکار نتیجه آن را تعهد نموده است.

مفهوم پیمانکار

پیمانکار را معادل مقاطعه کار، به آنکه شغل او تعهد فعل یا حمل و نقل کالا به صورت عمده باشد، تعریف نموده اند. در این زمینه ماده ۷ شرایط عمومی پیمان مقرر میدارد: پیمانکار، شخص حقوقی است که سوی دیگر امضاء کننده پیمان است و اجرای موضوع پیمان را براساس اسناد و مدارک پیمان، به عهده گرفته

است. نمایندگان و جانشینهای قانونی پیمانکار، در حکم پیمانکار میباشند.» این تعریف ضمن اینکه به شکل قرارداد و امضای آن توجه دارد متضمن عنصر ماهوی یعنی به عهده گرفتن اجرای موضوع پیمان نیز میباشد. برخلاف کارفرما که همیشه شخص حقوقی است، پیمانکار میتواند هم شخص حقیقی و هم شخص حقوقی باشد زیرا کارفرما که همواره دولت است (مطابق شرایط عمومی پیمان) به هیچ روی نمیتواند در فرض شخص حقیقی ظاهر شود. اما پیمانکار که طرف دیگر پیمان است و اجرای موضوع طرح را بر عهده گرفته است، طرفی است که میتواند هم در قالب یکی از شرکتهای موضوع قانون تجارت یا در قالب یک موقوفه و هم شخصاً به عنوان یک شخص طبیعی و حقیقی انجام فعالیت نماید.

تقدم رویداد منتسب به پیمانکار

در این حالت، رویدادی که مسؤولیت آن به عهده پیمانکار است و اگر به تنهایی واقع می شد اساساً تأخیر غیرموجه بود، ابتدا تحقق می یابد و در خلال تأخیر ناشی از این رویداد، رویداد دیگری که یا ناشی از تقصیر مالک است و یا از جمله رویدادهای موجه است واقع می گردد؛ لکن قبل از اتمام تأثیر رویداد اول، آثار رویداد دوم به اتمام می رسد. در این صورت، پیمانکار استحقاق تمدید مهلت زمانی را ندارد و در عین حال، اگر در نتیجه تأخیر خسارتی بر مالک وارد شود، مسؤول آن خسارات است؛ زیرا رویداد دوم تأثیری در بروز تأخیر نداشته است و نمی توان خسارات ناشی از تأخیر را به رویداد دوم نسبت داد. در واقع، رویدادی که پیمانکار مسؤول آن است قبل از این که دیگری تأثیری در پیشرفت کار داشته باشد، سبب تأخیر گردیده است. همچنین ممکن است آثار رویداد دوم همزمان با رویداد اول ادامه یابد و هر دو در یک زمان خاتمه یابند.

در انگلستان و در قسمتی از رأی دعوای شرکت با مسئولیت محدود پیمانکاری هنری بوت علیه هتل مال ماسیون^۳ آمده است: وقتی که رویداد به ریسک پیمانکار نخست واقع شود و از قبل، تأخیر به سبب آن آغاز گردد و در خلال آن تأخیر به سبب یکی از رویدادهای شرط ۴۴ مقررات فیدیک واقع گردد، اگرچه بخشی از این تأخیرها همزمان است، لکن در واقع تأخیر ایجاد شده به سبب خطای پیمانکار است و بنابراین پیمانکار هیچ استحقاقی نسبت به تمدید زمان ندارد [۸، ص. ۷۳۶] رویدادهای شرط ۴۴ رویدادهایی هستند که پیمانکار مسئول آنها نیست (رویدادی که یا ناشی از عمل کارفرما است و یا ناشی از عوامل قهری). اگر رویداد به ریسک پیمانکار ابتدا رخ دهد و موجب تأخیر گردد و سپس رویداد به ریسک مالک یا ناشی از حوادث قهری به وجود آید، اما قبل از این که تأثیر رویداد دوم به اتمام برسد تأثیر رویداد اول خاتمه یابد و تأثیر رویداد به ریسک مالک، کماکان ادامه داشته باشد باید آثار هریک از علل تأخیر مورد ارزیابی و سنجش قرار گیرد. در این وضعیت، دادگاه با تمیز موقعیت‌ها و شرایط حاکم و اوضاع و احوال قضیه، آثار رویدادهای در خلال تأخیر مبتنی بر تقصیر مالک یا حوادث قهری را تعیین و دوره تأخیر ناشی از این رویداد را محاسبه می‌کند و پیمانکار نسبت به این دوره مسئولیتی ندارد.

در این زمینه دعوای شرکت ساختمان‌سازی بال فورت سینسلی علیه شرکت املاک انگلستان، قابل توجه است. در این دعوا رأی داده شد که باید سنجیده شود که آیا رویداد مربوط به عمل مالک باعث تأخیر بیش‌تر کارها شده است یا خیر و اگر چنین است مقدار آن تأخیر تعیین گردد و آن موقع پیمانکار استحقاق تمدید زمانی معادل با میزان تأخیر بیش‌تر را دارد [۹، ص ۹۲-۹۱] دشواری عملی برای دادگاه در چنین وضعیتی تمیز موقعیت‌ها و تعیین آثار هرکدام به تفکیک است. بدین منظور

^۳ Henry Boot Construction(uk) Ltd. v. Malmaison Hotel Ltd. [۲۰۰۰] E.L.R. ۵۰۹

تحلیل جزئیات و اوضاع و احوال موجود در خصوص علت‌ها، تأخیرها و حدود آثار هریک از آنها ضروری است.

آثار تأخیر همزمان

در صورت تأخیر همزمان، به نحوی که اقدام هرکدام به تنهایی برای تأخیر کافی باشد، قاعده کلی این است که هیچ‌یک از مالک و پیمانکار در قبال یکدیگر مسئولیتی برای جبران خسارات وارد به طرف دیگر ندارد؛ زیرا هریک از آنها به طور مستقل موجب تأخیر شده و عمل هرکدام صرفنظر از عمل دیگری برای تأخیر کافی است.

به‌علاوه پیمانکار استحقاق تمدید مهلت برای تکمیل پروژه معادل تأخیر رویداده را دارد و تأخیر ایجاد شده در اجرای پروژه موجه محسوب می‌گردد پس اگر در محل طرح به دو علت آب و هوای شدیداً نامساعد و کمبود کارگر، انجام هیچ کاری به مدت یک هفته مقدور نباشد و این تأخیر کارها را به مدت یک هفته به تعویق بیندازد، باید یک هفته مهلت به پیمانکار اعطا شود. در این جا نمی‌توان با این استدلال که در هر حال به دلیل کمبود کارگر، این تأخیر اتفاق می‌افتاد، از اعطای مهلت سر باز زد.

در این خصوص معیار تصمیم‌گیری و توجیه مسأله، علاوه بر مطالب پیش‌گفته این است که یک رویداد ناشی از عمل پیمانکار توأم با رویداد دیگر، به طور همزمان، سبب تأخیر شده است. از طرفی علت تأخیر منتسب به پیمانکار نیز باعث تأخیر بیش‌تری نمی‌گردد و حتی اگر تأخیر به علت پیمانکار رخ نمی‌داد، باز تأخیر حاصل می‌شد و در نتیجه، مسئولیتی برای پیمانکار متصور نیست.

هرگاه تأخیر هر دو (مالک و پیمانکار) توأمان سبب تأخیر در تکمیل نهایی گردد باید تأثیر عمل هریک سنجیده و بر آن اساس مسئولیت بین آنها تقسیم گردد. هرگاه این سنجش ممکن نباشد دادگاه‌های

آمریکا و انگلستان در نگاه سستی خود قائل به عدم مسؤولیت هستند، لکن در حقوق ایران تقسیم مسؤولیت مورد قبول قرار گرفته است.

در همزمانی تأخیرها در صورتی که تأخیر یکی در مسیر اساسی، مانند تهیه سازه توسط پیمانکار و تأخیر دیگری در مسیر غیراساسی، مانند تأمین روشنایی کارگاه توسط مالک باشد، مسؤولیت عدم تکمیل به موقع به عهده شخصی است که در مسیر اساسی تأخیر کرده است.

در نگاه جدید به رویداد تأخیر همزمان، به اعتقاد برخی از قضات و نویسندگان حقوق قراردادهای پیمانکاری بین‌المللی، وقتی یک رویداد ناشی از عمل مالک یا حوادث فحری قبل از رویداد قابل انتساب به عمل پیمانکار رخ دهد، چنانچه صرفاً به این جهت پیمانکار را از مسؤولیت مبرا بدانیم و یا برعکس، هنگامی که رویداد مربوط به عمل پیمانکار با فاصله کمی قبلاً ایجاد شده باشد، اگر همه مسؤولیت را بر پیمانکار تحمیل کنیم، این تصمیم منصفانه نبوده، مبنای این استدلال روشن نیست؛ زیرا اهمیتی ندارد که مثلاً کمبود کارگر دو روز قبل یا دو روز بعد از شروع یک دوره آب و هوای شدیداً نامناسب ظاهر شود و در هر صورت، دو موضوع به طور همزمان عمل می‌کنند تا تکمیل کارها به تأخیر بیفتد و هر دو مورد باید چنین در نظر گرفته شوند که در برگیرنده علل همزمان هستند و دادگاه باید در مواجهه با چنین مواردی یک تصمیم منصفانه و معقول اتخاذ کند [۱۱، ص ۲۵۲]

هنگامی که طرف زیان‌دیده در خطای مبنای تأخیر سهمی دارد و یا مرتکب خطای مستقل شده و خطای مستقل او موجب تأخیر همزمان گشته است، صرف‌نظر از تقدم و تأخر هر علت باید در مسؤولیت‌ها و خسارات و جبران آن نیز سهمی شود و در این صورت دادگاه، ارتباط علی بین دو رویداد و آثار هر یک از آنها را در نظر گرفته، تعیین مسؤولیت می‌کند.

آثار و ضمانت اجرای تأخیر پیمانکار

در قراردادهای پیمانکاری بطور معمول، برای اجرای کارهای موضوع پیمان مدت معین می‌گردد و پیمانکار متعهد است که در آن مدت و طبق برنامه، آنچه را که بر عهده گرفته است اجرا کند و نوعاً تعهدات پیمانکار در این زمینه، تعهد به نتیجه است.

ماده ۲۲۶ قانون مدنی ایران مقرر می‌دارد:

«در مورد عدم ایفاء تعهد از طرف یکی از متعاملین، طرف دیگر نمیتواند ادعای خسارت نماید مگر اینکه برای ایفاء تعهد مدت معینی مقرر شده باشد و مدت مزبور منقضی شده باشد...» بنابراین برای ایجاد مسئولیت پیمانکار به جبران خسارات ناشی از تأخیر در اجرای قرارداد پیمانکاری الزم است مدت اجرای تعهدات منقضی شده باشد.

ضمانت اجرای تأخیر، در اثر تقصیر پیمانکار

جائیکه عدم انجام تعهد در مدت مقرر در اثر تقصیر متعهد باشد مسئولیت متوجه متعهد است و خسارتی که بر متعهدله وارد شده است بایستی جبران گردد زیرا عرفاً متعهد سبب این خسارت است (امامی، ۱۳۹۰، ۲۴۰). متعهد در صورتی مسئول جبران خسارت ناشی از تخلف از انجام تعهد است که در عدم انجام تعهد یا تأخیر در آن، تقصیر داشته باشد.

در قواعد مربوط به مسئولیت قراردادی نامی از «تقصیر» برده نشده است. همچنین اثبات بی تقصیری پیمانکار مسئولیت او به جبران خسارت را از بین نمیبرد. او به امری بیشتر از بی تقصیری نیاز دارد. پیمانکار برای اینکه از مسئولیت معاف گردد بایستی ثابت کند که عدم انجام کارها در زمان مقرر ناشی از حادثهای بوده که دفع آن از اقتدار او خارج بوده است.

یکی از تفاوت‌های این نکته این است که بطور معمول اثبات تقصیر به عهده زیان دیده است، ولی وجود مانع خارجی و ناممکن شدن اجرای قرارداد را همیشه مدیون باید ثابت کند و گرنه از مسئولیت مصون نمی ماند. در قراردادهای پیمانکاری، آنچه که پیمانکار تعهد نموده است ایجاد کارهای موضوع پیمان و حصول نتیجه قرارداد است و اگر نتیجه موضوع تعهد حاصل نشود هر چند پیمانکار تالش برای اجرا نموده باشد، به جهت عدم اجرای قرارداد، مسئولیت او به شرط تحقق سایر ارکان فراهم است مگر اینکه او ثابت کند که عدم اجرای قرارداد مربوط به عامل دیگری بوده که هیچ پیمانکار دیگری نمیتوانسته است کار را در آن زمان انجام دهد (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ۱۷۵).

ضمانت اجرای تأخیر، در صورت اعمال شرط وجه التزام

اگر در زمان انعقاد قرارداد، طرفین توافق کنند که در صورت تأخیر پیمانکار مبلغ معینی را بابت خسارت به مالک بپردازد، وقتی که قرارداد به موقع اجرا نگردد، مالک استحقاق مطالبه وجه التزام را دارد. بنابراین بطور معمول هدف از شرط وجه التزام جبران خسارات ناشی از نقض قرارداد است که بر مشروط له وارد میگردد. مبلغ وجه التزام اگر معقول و منصفانه تعیین شده باشد میتواند بعنوان یک مشوق عمل کند و پیمانکار را با اجرای به موقع کار تشویق نماید.

ماده ۲۳۰ قانون مدنی ایران در این زمینه مقرر میدارد: «اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف متخلف مبلغی را به عنوان خسارت، تأدیه نماید حاکم نمیتواند او را به بیشتر یا کمتر از آنچه که ملزم شده است محکوم کند.»

از مزایای شرط وجه التزام این است که هر دو طرف دقیقاً میدانند که یک روز تأخیر در تکمیل کار چقدر برای آنها هزینه در پی خواهد داشت، بنابراین پیمانکار با محاسبه دقیق میزان مسئولیت و شناخت از عواقب

نقض قرارداد، سعی در اجرای تعهدات خود دارد. شاید در بسیاری از موارد اگر پیمانکار از قبل حدود مسئولیتهای ناشی از تأخیر را بداند همه سعی و تالش خود را مصروف تکمیل به هنگام پیمان نماید. جایی که تعیین ضرر و زیان بر طبق اصول و قواعد حاکم بر خسارات ناشی از نقض قرارداد، دشوار و متعذر است بهترین شیوه برای برآورد خسارت، توافق راجع به میزان آن است. گاه محاسبه ضرر ساده بوده، دادگاه یا کارشناس میتواند آن را برآورد کند. بعنوان مثال اگر موضوع پیمان، احداث چند واحد ساختمان مسکونی باشد، برآورد خسارات ناشی از تأخیر، معادل منافع از دست رفته در آن دوره زمانی است، اما اگر موضوع قرارداد احداث یک کارخانه تولیدی است تعیین دقیق خسارات حتی توسط دادگاه و کارشناس منتخب دادگاه، ساده به نظر نمیرسد. در چنین مواردی، طرفین با توافق مبتنی بر مصالحه راجع به حدود حقوق و تعهدات خود تصمیم میگیرند. علاوه بر این، مواردی که موضوع قرارداد طرحهای عمومی و ملی یا دولتی است، مانند احداث بزرگراه، مدرسه، بیمارستان، فرودگاه و... ضمن اینکه این نوع پیمانها دارای منافع بزرگی هستند اما قابل محاسبه دقیق نمیشوند و حتی ممکن است در خصوص اصل وجود ضرر در صورت تأخیر در این گونه طرحها تشکیک شود، فلذا بهترین روش به منظور جبران ضررهای ناشی از تأخیر، توافق و تعیین وجه التزام در صورت عدم تکمیل به موقع طرح میباشد. ارزیابی است و میتواند بعنوان یک ابزار در راستای اجرای به موقع پیمان مورد استفاده قرار گیرد.

بنابراین شرط وجه التزام در موارد بسیاری بعنوان یک مزیت در قراردادهای پیمانکاری قابل محل مناقشه و اختلاف است و همچنین تعیین حدود مسئولیت و حقوق آنها و وسعت خساراتی بنابراین سهولت در تعیین خسارتها خصوصاً مواردی که، برآورد خسارتها پیچیده و دشوار و در که یک پیمانکار در نتیجه تأخیر و تکمیل دیر هنگام بعهد میگیرد، اجتناب از مسائل پیچیده اثبات زیان که در دعوی که براساس قواعد کلی، طرح و تعقیب میشوند از جمله مهمترین مزایای وجه التزام یا شرط تقویم خسارت، محسوب میشوند.

تعیین وجه التزام مانعی برای اجرای تعهد اصلی نیست و نباید چنین پنداشت که پیمانکار با تنامض پرداخت وجه التزام از تکمیل پروژه معاف است و یا اینکه او مختار به اجرای قرارداد یا پرداخت وجه التزام است، زیرا وجه التزام یک تعهد فرعی است و صرفاً بابت تأخیر در انجام تعهد، پیشبینی شده است. بنابراین اولاً حتی در صورت خاتمه قرارداد، مالک حق مطالبه وجه التزام را داراست و ثانیاً اگر امکان یا شرایط خاتمه کار نباشد، پیمانکار ضمن اجرای پیمان، بایستی وجه التزام را بپردازد (محقق داماد، ۱۳۸۸، ۴۷۹- کاتوزیان، ۱۳۹۰، ۲۴۲).

نتیجه گیری

تأخیر در اجرای تعهدات قراردادی یکی از مهمترین و رایجترین موارد نقض قرارداد محسوب میشود و غالباً آثار زیانباری را بر حقوق ذینفع تعهد برجای میگذارد. حقوق ایران و اسناد تجارت بین المللی در حمایت از حقوق زیان‌دیده، ضمانت اجرای مختلفی را پیشبینی نموده‌اند که مهمترین آنها امکان مطالبه جبران خسارت توسط زیان‌دیده است.

شرط وجه التزام نیز یکی از کارآمدترین و شایعترین روشهای جبران خسارت ناشی از تأخیر در اجرای قراردادهای پیمانکاری بین المللی است. هدف از شرط وجه التزام بایستی جبران خسارت ناشی از تأخیر باشد و بدینوسیله طرفین از قبل بر میزان خسارت ناشی از تأخیر با همدیگر توافق میکنند آنها آن مبلغ را نه به عنوان یک جریمه و با هدف تنبیه نمودن پیمانکار به سبب تأخیر، بلکه وسیله ای برای احیای وضع زیان دیده تقویم میکنند، اگر هدف آنان بطور آشکارا مجازات طرف باشد و توافق بعنوان یک شرط جریمه توصیف گردد، دادگاهها از اعمال شرط اجتناب می کنند. متناسب بودن مبلغ تقویمی با خساراتی که ممکن است در نتیجه تأخیر بر مالک وارد گردد یکی دیگر از ضابطه ها در این زمینه است و دادگاهها وجه التزام را با محک انصاف سنجیده و در صورت منصفانه بودن حکم به اجرای آن را صادر میکنند. اصول و قواعد بین

المللی در این زمینه از جمله مقررات فیدیک، قواعد یکنواخت آنسیترال، اصول قراردادهای تجاری بین المللی و قطعنامه کمیته وزیران شورای اروپا متضمن مقررات مشابهی هستند و حتی هرگونه شرط خلاف امکان تعدیل را غیر معتبر میدانند.

منابع فارسی

- معین، محمد. (۱۳۸۸). فرهنگ فارسی، جلد اول، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- امامی، سیدحسین. (۱۳۹۰). حقوق مدنی، جلد اول، چاپ سی و دوم، انتشارات اسلامی، تهران.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۰). قواعد عمومی قراردادها، جلد چهارم، چاپ ششم، شرکت سهامی انتشار، تهران.
- محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۸۸). نظریه عمومی شروط و التزامات، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران.

منابع لاتین

- [۸]- Ramsey Vivian, Telford Thomas, *Construction Law Handbook*, Thomas Telford, First edition, London, ۲۰۰۷.
- [9]- R.W. Thomas & Wright Mark, *Construction Contract Claims*, Third edition, Palgrave Macib Millan, ۲۰۰۱.
- [10]- Nael Bunni, *The FIDIC Forms of Contract*, Third edition, Blackwell publishing, Oxford, UK, ۲۰۰۵.
- [11]- Volkmar Jaeger Axel & Gotz Sebastian, *FIDIC –Conditions of Contract for Construction, A Guide for Practitioners*, ۲۰۱۰.